

Traditional Electoral Violations and Their Impact on Electoral Integrity

1. Shamsulddin Ahmed Jabbar Al-Taie: PhD Student, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
2. Majid Masoudi*: Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
Email: masoudimajid340@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

Elections are the primary means through which the will of the people is expressed and democratic legitimacy is strengthened. However, their integrity is often undermined by traditional electoral violations. This study examines these violations within a comparative legal framework and focuses on their impact on electoral integrity through three principal forms: vote buying, misuse of public funds and state resources, and interference with the freedom of candidacy and electoral campaigning. The study demonstrates that such practices violate freedom of voting, equality of opportunity, and political equality, while simultaneously undermining public trust in the electoral process. It concludes that electoral integrity requires a comprehensive legal framework, effective judicial protection, transparency in campaign financing, and the impartiality of administrative and media institutions in order to safeguard the public will and strengthen democratic legitimacy.

Keywords: *electoral violations; traditional electoral violations; electoral integrity; vote buying; public funds*

How to cite: Al-Taie, S. A. J. & Masoudi, M. (2027). Traditional Electoral Violations and Their Impact on Electoral Integrity. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 9(4), 1-20.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 March 2026

Revise Date: 08 September 2026

Accept Date: 16 September 2026

Initial Publish Date: 16 September 2026

Final Publish Date: 23 October 2027



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تخلفات انتخاباتی سنتی و تأثیر آنها بر سلامت انتخابات

۱. شمس الدین احمد جبار الطائی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. مجید مسعودی*: استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

پست الکترونیک: masoudimajid340@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

انتخابات ابزار اصلی ابراز اراده مردم و تقویت مشروعیت دموکراتیک است. با این حال، صداقت آنها اغلب توسط تخلفات انتخاباتی سنتی تضعیف می‌شود. این مطالعه این تخلفات را در یک چارچوب حقوقی تطبیقی بررسی می‌کند و بر تأثیر آنها بر صداقت انتخابات از طریق سه شکل اصلی تمرکز دارد: خرید رأی، سوءاستفاده از بودجه عمومی و منابع دولتی و دخالت در آزادی نامزدی و مبارزات انتخاباتی. این مطالعه نشان می‌دهد که چنین شیوه‌هایی آزادی رأی، برابری فرصت‌ها و برابری سیاسی را نقض می‌کند و در عین حال اعتماد عمومی به روند انتخابات را تضعیف می‌کند. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که صداقت انتخابات نیازمند یک چارچوب حقوقی جامع، حمایت قضایی مؤثر، شفافیت در تأمین مالی مبارزات انتخاباتی و بی‌طرفی نهادهای اداری و رسانه‌ای برای حفاظت از اراده عمومی و تقویت مشروعیت دموکراتیک است. **واژگان کلیدی:** تخلفات انتخاباتی؛ تخلفات انتخاباتی سنتی؛ سلامت انتخابات؛ خرید رأی؛ بودجه عمومی

نحوه استناددهی: الطائی، شمس الدین احمد جبار، و مسعودی، مجید. (۱۴۰۶). تخلفات انتخاباتی سنتی و تأثیر آنها بر سلامت انتخابات. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۹(۴)، ۲۰-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۵ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۶



انتخابات سنگ بنای دموکراسی مدرن است، وسیله‌ای که از طریق آن اراده عمومی به قدرت سیاسی تبدیل می‌شود، به حکومت مشروعیت می‌بخشد و اصل مشارکت را تثبیت می‌کند. با این حال، این ابزار در معرض تخلفاتی است که به‌ویژه در دموکراسی‌های نوظهور، تمامیت آن را تضعیف می‌کند. از جمله برجسته‌ترین این تخلفات، خرید رأی، سوءاستفاده از بودجه عمومی و دخالت در آزادی نامزدی و مبارزات انتخاباتی است. این تخلفات صرفاً تخلفات قانونی نیستند؛ بلکه اصل حاکمیت مردمی را تهدید می‌کنند، زیرا اراده رأی‌دهنده را تغییر می‌دهند، رقابت سیاسی را تحریف می‌کنند و روند انتخابات را به عملی خارج از محدوده قانون تبدیل می‌کنند.

مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که خرید رأی یکی از جدی‌ترین اشکال فساد انتخاباتی است، زیرا جوهره حق انتخاب آزاد را تضعیف می‌کند. بنابراین، قانون‌گذاری از محکومیت اخلاقی به جرم‌انگاری تکامل یافته و ارائه مزایا برای تأثیرگذاری بر اراده انتخاباتی را به یک جرم قابل مجازات تبدیل کرده است. با این حال، اثربخشی جرم‌انگاری همچنان منوط به نظارت بر تأمین مالی مبارزات انتخاباتی و استقلال نهادهای نظارتی است و سلامت انتخابات را به اصلاحات قانونی و اجتماعی وابسته می‌کند.

در مورد سوءاستفاده از بودجه عمومی و امکانات دولتی، این امر اصل فرصت‌های برابر را نقض می‌کند و به برخی از نامزدها امتیاز نامشروع می‌دهد. بنابراین، قوانین تطبیقی به سمت جداسازی بودجه عمومی و انتخاباتی، جرم‌انگاری استفاده از منابع دولتی در تبلیغات و اعمال نظارت مالی و اداری برای دستیابی به بی‌طرفی امکانات عمومی و سلامت رقابت حرکت کرده‌اند.

دخالت در آزادی نامزدی برای مناصب و مبارزات انتخاباتی، از طریق اعمال محدودیت‌های نامشروع بر نامزدها، محدود کردن فعالیت‌های انتخاباتی یا حذف رقبا، شکل دیگری از نقض‌های سنتی را تشکیل می‌دهد. کنوانسیون‌های بین‌المللی، که در صدر آنها میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قرار دارد، حق نامزدی برای مناصب و مبارزات انتخاباتی را به‌طور برابر تأیید کرده‌اند و باعث شده‌اند که قوانین مدرن از فعالیت‌های انتخاباتی مشروع محافظت کنند و اشکال ناموجه ممنوعیت یا محدودیت را جرم‌انگاری کنند، در حالی که حمایت قضایی مؤثری را فراهم می‌کنند.

مطالعه این تخلفات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا علیرغم تحولات قانونی، مظاهر آنها همچنان پدیدار می‌شوند و اشکال پیچیده‌تری به خود می‌گیرند، مانند استفاده از کمک‌ها و خدمات اجتماعی برای خرید رأی، استفاده از پروژه‌های دولتی برای تبلیغات یا محدود کردن کمپین‌ها به بهانه امنیت یا نظم عمومی. بنابراین، این مطالعه محدود به تشریح اشکال تخلفات و متون قانونی جرم‌انگاری آنها نیست، بلکه علل و ابزارهای کاهش آنها را در چارچوبی که قانون‌گذاری، نظارت و فرهنگ مدنی را در بر می‌گیرد، تجزیه و تحلیل می‌کند.

بر این اساس، هدف این تحقیق، تحلیل مظاهر تخلفات انتخاباتی سنتی و تأثیر آنها بر سلامت انتخابات از منظر حقوقی تطبیقی، بر اساس قوانین ملی، عربی و بین‌المللی است تا تأکید شود که حفاظت از روند انتخابات صرفاً با متون قانونی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند یک فرهنگ نهادی مبتنی بر بی‌طرفی و شفافیت و یک فرهنگ اجتماعی مبتنی بر آگاهی از حق رأی است تا اطمینان حاصل شود که رأی‌گیری، بیان آزاد اراده عمومی است و مشروعیت دموکراتیک مبتنی بر سلامت و پاسخگویی را ایجاد می‌کند.

خرید رأی و اعمال نفوذ نامشروع بر اراده رأی‌دهندگان.

خرید رأی و تأثیر غیرقانونی بر اراده رأی‌دهندگان از جدی‌ترین اشکال تخلفات انتخاباتی است که بنیان‌های اخلاقی و قانونی فرآیند دموکراتیک را تضعیف می‌کند. این امر رأی‌گیری را از محتوای داوطلبانه خود تهی می‌کند و آن را از یک عمل سیاسی آزاد به یک معامله مادی تبدیل

می‌کند که در آن محکومیت برای سود موقت فروخته می‌شود. (Al-Anzi, 2021) این پدیده محصول شرایط مدرن نیست؛ بلکه ریشه‌های آن به آغاز تجربیات انتخاباتی در جوامعی برمی‌گردد که مبانی شهروندی سیاسی به‌طور کامل برقرار نشده بود. در چنین جوامعی، محرومیت اقتصادی، نفوذ اجتماعی و فرقه‌گرایی در هم تنیده می‌شوند تا اراده رأی‌دهندگان را شکل دهند و آنها را به راه‌هایی هدایت کنند که در خدمت منافع یک گروه یا حزب خاص، بدون توجه به خیر عمومی، باشد. (Al-Attar, 1974) خرید رأی صرفاً مظهر فساد مالی نیست؛ بلکه تجسم انحراف اراده سیاسی از طریق ابزارهای مختلف، از پرداخت مستقیم گرفته تا نفوذ غیرمادی است. همه اینها تهدیدی مستقیم برای اصل رأی‌گیری آزاد است که سنگ بنای مشروعیت دموکراتیک است. (Hussein, 2011)

نکته اول این الزام به اشکال و ابزارهای سستی خرید رأی به‌عنوان قدیمی‌ترین مظاهر فساد انتخاباتی می‌پردازد، چرا که این ابزارها از توزیع پول نقد به رأی‌دهندگان قبل یا در طول روز انتخابات، و ارائه هدایا، خدمات اجتماعی، وعده‌های اشتغال یا معافیت‌های مالی در ازای رأی دادن به یک نامزد خاص، متغیر هستند.

تاکتیک‌های سستی خرید رأی همچنین شامل استفاده از رهبران محلی یا چهره‌های اجتماعی و مذهبی برای تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان به نفع یک حزب خاص است، در نتیجه وفاداری اجتماعی را به یک مکانیسم اقناعی برای بازاریابی برنامه‌های سیاسی تبدیل می‌کند. علاوه بر پول مادی، خرید اراده عمومی در ارائه وعده‌های دروغین در مورد منافع عمومی مانند آسفالت جاده‌ها یا بهبود خدمات در مناطق خاص آشکار می‌شود و رأی دادن را به جای اعتقاد راسخ به برنامه، به منافع شخصی منوط می‌کند. (Al-Dulaimi, 2001) این روش‌ها اغلب در محیط‌هایی اجرا می‌شوند که آگاهی انتخاباتی وجود ندارد و نظارت قانونی ضعیف است و باعث می‌شود که در هر دوره انتخابات تکرار شوند، گویی که به موجب عرف سیاسی، یک عمل مشروع هستند. (Ali, 2005)

نکته دوم این تحقیق، موضع قانون‌گذاری تطبیقی در مورد این اقدامات در دموکراسی‌های جدید را برجسته می‌کند. این مقایسه، تفاوت آشکاری را در میزان و دامنه جرم‌انگاری خرید رأی نشان می‌دهد. برخی از قوانین، مقررات کیفری گسترده‌ای را اتخاذ می‌کنند که هر نوع پیشنهاد، وعده یا رشوه‌ای را که با هدف تأثیرگذاری بر اراده رأی‌دهنده انجام می‌شود، جرم‌انگاری می‌کند و آن را با حبس یا جریمه و بی‌اعتبار کردن نتایج برای رأی‌دهنده متضرر و نامزد ذی‌نفع مجازات می‌کند. این امر در قوانین آمریکای لاتین و آسیا مشهود است که به دنبال مهار نفوذ پول در سیاست از طریق مقررات سختگیرانه‌ای هستند که به مجازات‌های اداری نیز گسترش می‌یابد. (Al-Anzi, 2021) در مقابل، سایر سیستم‌های حقوقی به مجازات‌های نمادین بسنده می‌کنند یا این عمل را بدون جرم‌انگاری، اخلاقی توصیف می‌کنند و در نتیجه اجازه می‌دهند این پدیده تحت پوشش قانونی سهل‌انگارانه ادامه یابد. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که مؤثرترین قانون، قانونی است که صرفاً جرم‌انگاری نمی‌کند، بلکه محکومیت خود را به اقدامات نظارتی مؤثر که شامل تأمین مالی انتخابات، نظارت مستقل بر مبارزات انتخاباتی و تنظیم تبلیغات می‌شود، پیوند می‌دهد، به‌طوری‌که بازدارندگی قانونی به بخشی از سیستم سلامت انتخابات تبدیل می‌شود و نه فقط یک مجازات بعدی. (Al-Tamimi)

این بند نشان می‌دهد که مبارزه با خرید رأی محدود به قانون‌گذاری نیست؛ بلکه نیازمند اصلاحات فرهنگی و رویه‌ای است که آگاهی رأی‌دهندگان را افزایش داده و از نظارت مستقل حمایت کند. اگر فضای فقر و حمایت سیاسی همچنان به آن دامن بزند، جرم‌انگاری این عمل به‌تنهایی کافی نیست. پول انتخاباتی بر اراده رأی‌دهنده تأثیر می‌گذارد و وابستگی سیاسی به قدرت را تقویت می‌کند و در نتیجه جوهره دموکراسی را که مبتنی بر آزادی انتخاب و پاسخگویی است، تضعیف می‌کند. بنابراین، مطالعه این پدیده در یک چارچوب مقایسه‌ای به توسعه

یک مدل قانونی کمک می‌کند که تأثیر پول انتخاباتی را محدود کرده و از اراده عمومی به عنوان پایه مشروعیت قانون اساسی در دموکراسی‌های نو ظهور محافظت می‌کند.

نمایشی از خرید رأی و ابزارهای سستی آن

خرید رأی و روش‌های سستی آن از جمله ریشه‌دارترین مظاهر در تاریخ تخلفات انتخاباتی هستند که نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی پول و سیاست هستند که اراده عمومی را به کالایی برای خرید و فروش تبدیل می‌کنند. (Al-Shafi'i, 1972) هنگامی که آگاهی انتخاباتی در جامعه کاهش می‌یابد و حس ارزش مشارکت سیاسی ضعیف می‌شود، رأی دادن به ابزاری برای منافع فردی تبدیل می‌شود تا تجسم یک حق عمومی. پول به برجسته‌ترین وسیله برای هدایت آرا به سمت نتیجه‌ای خاص تبدیل می‌شود که در خدمت منافع نامزدهایی است که می‌توانند بیشتر از کسانی که به برنامه‌های سیاسی خود متکی هستند، هزینه کنند. (Al-Dulaimi, 2001) از آنجا که دموکراسی‌های جدید از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شکننده رنج می‌برند، این پدیده از سطوح فقر و نیاز روزانه تغذیه می‌کند، که برخی از نامزدها از آن برای به دست آوردن رأی در ازای وعده‌های مستقیم مالی یا مادی، چه به صورت پرداخت نقدی به رأی‌دهندگان و چه ارائه خدمات به آنها تحت عنوان «کمک‌های اجتماعی» سوءاستفاده می‌کنند. (Ajil, 2019) این رویه‌ها به از دست رفتن برابری بین رأی‌دهندگان منجر می‌شود و منطق بازار را جایگزین منطق اعتقاد سیاسی می‌کند، به طوری که مبارزات انتخاباتی به جای اینکه یک بحث ارزشی در مورد برنامه‌های توسعه و حقوق عمومی باشد، به یک میدان تجاری با بودجه‌های مشکوک تبدیل می‌شود.

روش‌های سستی خرید رأی بسته به تأثیر مادی و معنوی اعمال شده بر رأی‌دهندگان متفاوت است. این روش‌ها شامل رویکردهای مستقیم مانند توزیع پول نقد، هدایا، کوپن‌های غذایی یا کمک‌های خیریه قبل از روز انتخابات و روش‌های غیرمستقیم مانند وعده‌های شغلی، امتیازات اداری یا ارتقاء رتبه‌های دولتی پس از پیروزی است. همه این موارد تحت تعریف قانونی «رشوه انتخاباتی» قرار می‌گیرند که اکثر قوانین کیفری به صراحت به آن می‌پردازند. به عنوان مثال، ماده ۱۲۳ قانون انتخابات هند مصوب ۱۹۵۱، «فساد انتخاباتی» را به عنوان هر عملی که شامل جلوگیری یا وعده مزایای مادی در ازای رأی دادن به یک نامزد خاص باشد، تعریف می‌کند و این امر را مبنایی برای به چالش کشیدن مشروعیت نتایج قرار می‌دهد. (Fahmi, 1989) قوانین آمریکای لاتین در برزیل و مکزیک نیز مجازات‌هایی تا پنج سال حبس و جریمه‌های سنگین را برای هر کسی که در ازای رأی خود، منفعتی را پیشنهاد یا می‌پذیرد، تعیین کرده است، در حالی که واسطه‌هایی را که پول یا وعده‌هایی را بین دو طرف منتقل می‌کنند، جرم‌انگاری می‌کند. در اروپا، ماده (۱۶۷) قانون مجازات اسپانیا تصریح کرده است که هر کسی که پول یا هدیه‌ای را برای تغییر اراده رأی‌دهنده پیشنهاد کند، با حبس و جریمه مجازات می‌شود. این متون مبنایی برای انتقال این عمل از مفهوم تخلف اخلاقی به یک جرم کیفری کامل تشکیل دادند. (Al-Tamimi)

در نظام‌های عربی، قانون‌گذاری در رسیدگی به این پدیده یکپارچه نبوده است. به عنوان مثال، قانون انتخابات شماره ۴۶ مصر مصوب سال ۲۰۱۴، در ماده (۶۵)، ارائه یا وعده هدیه یا امتیاز برای تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان را جرم‌انگاری می‌کند و حداقل پنج سال زندان و امکان رد صلاحیت نماینده پارلمان منتخب به این روش را پیش‌بینی می‌کند. به طور مشابه، قانون کمیسیون انتخابات عراق شماره ۳۱ مصوب سال ۲۰۱۹، در ماده (۲۷)، به صراحت هرگونه فعالیتی را که «شامل خرید رأی، ارائه پاداش‌های مالی یا وعده خدمات عمومی» باشد، ممنوع می‌کند و مجازات‌هایی از جریمه و حبس گرفته تا ابطال نتایج نامزد را تعیین می‌کند. (Abrash, 1998) قانون اردن مصوب سال ۲۰۲۱، مقررات واضح‌تری را در ماده (۶۷) اضافه کرد و واسطه‌ای را که خرید و فروش رأی را سازماندهی می‌کند، جرم‌انگاری کرد. این تحول قانون‌گذاری،

آگاهی قانون‌گذار را از اهمیت رسیدگی به شبکه‌های واسطه‌ای، نه فقط اقدامات فردی، برجسته می‌کند. قانون شماره ۵۹.۱۱ مراکش با جرم‌انگاری ارائه پول، اقلام غیرنقدی یا خدمات برای تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان، این عمل را به‌عنوان یک جرم انتخاباتی قابل مجازات با محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی طبقه‌بندی می‌کند. (Al-Ani, 2005)

روش‌های سنتی خرید رأی محدود به پول یا هدیه نیست، بلکه شامل نفوذ نمادین ناشی از رهبران قبیله‌ای یا مذهبی نیز می‌شود که از اقتدار اجتماعی خود برای تأثیرگذاری بر رأی‌گیری استفاده می‌کنند. این شامل اعمال فشار روانی بر افراد جامعه برای نشان دادن وفاداری به یک نامزد خاص است. این نوعی اجبار غیرمستقیم است که توسط برخی قوانین به‌عنوان نوعی «فساد انتخاباتی» شناخته می‌شود. قانون فرانسه، در ماده L106 قانون انتخابات، به این نوع نفوذ می‌پردازد و تصریح می‌کند که «هرگونه فشار، تهدید یا پاداش با هدف تغییر انتخاب رأی‌دهنده، فساد انتخاباتی محسوب می‌شود که طبق قانون قابل مجازات است.» این متن مفهوم خرید رأی را گسترش می‌دهد تا شامل نفوذ اخلاقی نیز بشود؛ اراده را می‌توان از طریق کلمات و نفوذ، همان‌طور که می‌توان با پول خرید، وادار کرد. (Ajl, 2019)

با توجه به این قوانین تطبیقی، می‌توان گفت که اثربخشی مبارزه با خرید رأی به توانایی سیستم حقوقی در جلوگیری از آن به جای مجازات پس از آن مرتبط است. بسیاری از دموکراسی‌های جدید آن را جرم اعلام می‌کنند، اما به دلیل نظارت ضعیف میدانی یا سیاسی شدن نهادهای انتخاباتی، از اجرای آن خودداری می‌کنند. (Hussein, 2006) علاوه بر این، افشای ضعیف تأمین مالی مبارزات انتخاباتی به وجوه غیرقانونی اجازه می‌دهد تا همچنان در مبارزات انتخاباتی نقش داشته باشند. به همین دلیل است که کشورهایی مانند شیلی و فیلیپین مکانیسم‌های افشای مالی و محدودیت‌های هزینه برای هر نامزد را به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه علیه خرید رأی اتخاذ کرده‌اند. (Afifi, 2002) فقه کیفری تطبیقی تأیید می‌کند که مجازات به‌تنهایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده بی‌اثر است اگر در یک محیط قانونی که شفافیت را تشویق می‌کند و پاسخگویی را برقرار می‌کند، ادغام نشود. دلیل این امر این است که جرم در اینجا از عدم تعادل اقتصادی و حمایت سیاسی تغذیه می‌شود و تنها با اصلاح ساختارهای اجتماعی که آن را ایجاد می‌کنند، می‌توان آن را ریشه‌کن کرد. (Abrash, 1998)

این ارائه نشان می‌دهد که اشکال سنتی خرید رأی صرفاً انحرافات فردی نیستند، بلکه سازوکاری سیستماتیک برای انحصار قدرت از طریق کنترل اراده عمومی هستند. مبارزه با این امر مستلزم جرم‌انگاری واضحی است که مجازات‌ها را به ابطال نتایج انتخابات مرتبط کند، نظارت مالی دقیقی که منابع مالی را شناسایی و پاسخگو نگه دارد، و فعال‌سازی نقش نهادهای دادستانی و نظارتی، فارغ از نفوذ سیاسی. رویه‌هایی که رأی‌دهنده را به یک مصرف‌کننده سیاسی تبدیل می‌کنند، با اصول آزادی و دموکراسی در تضاد هستند. بنابراین، جرم‌انگاری خرید رأی باید به‌عنوان یک سیستم جامع حقوقی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد که از رأی دادن در برابر همه اشکال دستکاری محافظت می‌کند و از اراده عمومی به‌عنوان یک حق اساسی که نه قابل فروش است و نه قابل مذاکره، محافظت می‌کند.

موضع قانون‌گذاری تطبیقی در مورد این قوانین

موضع تطبیقی قانون‌گذاری در مورد جرم خرید رأی و تأثیر غیرقانونی بر اراده رأی‌دهندگان، تفاوت اساسی در نحوه درک کشورها از ماهیت حق سیاسی رأی و چگونگی محافظت از آن در برابر دستکاری مالی یا تأثیرگذاری را نشان می‌دهد. بین سیستم‌هایی که این عمل را به‌عنوان یک جرم جنایی جدی طبقه‌بندی می‌کنند و آن را حمله‌ای به اراده عمومی می‌دانند و سیستم‌هایی که صرفاً آن را تخلف اداری یا رفتار غیراخلاقی می‌دانند، رویکردهای قانون‌گذاری در تعریف دامنه حمایت کیفری از روند انتخابات متفاوت است. (Abd al-Nabi, 1998) در کشورهایی با دموکراسی‌های تثبیت‌شده، جرم‌انگاری مبتنی بر اصل مشروعیت قانون اساسی است که تصریح می‌کند رأی انتخاباتی مظهر

حاکمیت مردمی است که نمی‌توان آن را به‌عنوان غرامت واگذار کرد. با این حال، بسیاری از دموکراسی‌های جدید به دلیل نهادهای نظارتی ضعیف و ادغام پول سیاسی در ساختار حزب، قادر به حرکت از جرم‌انگاری نظری به کاربرد واقعی آن نیستند. (Afifi, 1984)

کامل‌ترین تصویر از رویکرد حقوقی تطبیقی در قوانین اروپایی یافت می‌شود. قانون جزای اسپانیا، طبق ماده ۱۵۹، هر عملی را که شامل وعده، پیشنهاد یا ارائه منفعت مادی یا معنوی برای تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان باشد، جرمی قابل مجازات با حبس از شش ماه تا سه سال می‌داند. این جرم‌انگاری شامل دریافت‌کننده منفعت نیز می‌شود و او را شریک جرم می‌داند، نه صرفاً یک دریافت‌کننده منفعل. این موضع، تعهد قانون‌گذار اسپانیایی را به حفاظت از اراده هر دو طرف نشان می‌دهد: فاسدکننده و فاسدشونده. در قانون فرانسه، مواد ۱۰۶ و ۱۰۸ قانون انتخابات، همه اشکال رشوه یا اجبار انتخاباتی را جرم‌انگاری می‌کند و در صورت اثبات تأثیر پول یا فشار بر رأی‌دهندگان، ابطال نتایج را تصریح می‌کند. اینها نمونه‌هایی از پیوند مجازات با تحریم انتخاباتی هستند، زیرا مسئولیت کیفری مستقیماً بر مشروعیت سیاسی یک کرسی پارلمانی یا ریاست جمهوری تأثیر می‌گذارد. (Hussein, 2006) قانون بریتانیا همچنین رویکرد سختگیرانه‌ای را در ماده (۱۱۳) «قانون انتخابات ۱۹۸۳» اتخاذ کرد که هرگونه وعده سود، تهدید یا ارعاب برای کسب رأی را جرم‌انگاری می‌کند و ابطال نتایج و امکان ارجاع نامزد، واسطه و رأی‌دهنده به تحقیقات جنایی در برابر یک قوه قضائیه مستقل را تصریح می‌کند. این امر بریتانیا را به یکی از اولین کشورهایی تبدیل کرد که مفهوم «سلامت کامل انتخابات» را به‌عنوان شرط اعتبار رأی اجرا کرد. (Al-Abdali, 2009)

در مقابل، برخی از نظام‌های آمریکای لاتین رویکرد دقیق‌تری را برای تعریف عناصر جرم خرید رأی اتخاذ کرده‌اند. به‌عنوان مثال، ماده ۴۰۱ قانون انتخابات مکزیک مصوب ۲۰۰۸، پرداخت یا وعده هرگونه وجه یا امتیاز به یک شهروند با هدف تغییر رأی او را جرم‌انگاری می‌کند و مقامات را موظف می‌کند بدون انتظار برای حکم نهایی قضایی، نامزدی هر کسی را که دست داشتن او در این امر ثابت شده باشد، رد صلاحیت کنند. این به‌منزله اعمال مسئولیت فوری برای محافظت از سلامت روند انتخابات است. (Abd al-Rahman, 2011) به همین ترتیب، قانون شماره ۹۵۰۴ برزیل در سال ۱۹۹۷ نشان داد که هر نوع «رشوه انتخاباتی» نوعی فساد محسوب می‌شود که با حبس تا چهار سال و جریمه نقدی قابل توجه قابل مجازات است، مشروط بر اینکه ثابت شود این عمل مستقیماً به روند انتخابات مربوط است و نه به فعالیت سیاسی عمومی. این مقررات نشان‌دهنده تغییر در برداشت از فساد انتخاباتی است، زیرا آنها خود را به حقوق جزا محدود نکردند، بلکه این جرم را به سیستم اداری انتخابات پیوند دادند، به‌طوری‌که تصمیم برای حذف یا ابطال قبل از اینکه قضایی شود، اداری می‌شود و در نتیجه محافظت سریع از مشروعیت انتخابات را تضمین می‌کند. (Abd al-Nabi, 1998)

در قوانین تطبیقی کشورهای عربی، موضع در مورد خرید رأی به‌تدریج تکامل یافته است. ماده (۶۵) قانون انتخابات مصر در سال ۲۰۱۴، حبس و جریمه را برای هر کسی که برای تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان، امتیازی می‌دهد، پیشنهاد می‌دهد یا وعده می‌دهد، تعیین می‌کند و این امر زمینه را برای به‌چالش کشیدن عضویت پارلمان فراهم می‌کند. به‌طور مشابه، قانون شماره (۱۴) اردن در سال ۲۰۲۱، خرید رأی را به‌عنوان یک جرم فساد سیاسی طبقه‌بندی می‌کند و حبس، جریمه و ابطال نتایج انتخابات را پیش‌بینی می‌کند، در حالی که رأی‌دهندگانی را که چنین پرداخت‌هایی را می‌پذیرند، مجازات می‌کند. با این حال، قانون شماره (۳۱) عراق در سال ۲۰۱۹، صرفاً ارائه پول، هدیه یا وعده در ازای رأی را بدون تعیین مجازات ممنوع می‌کند و در نتیجه اثربخشی قانون را تضعیف می‌کند. در مقابل، قانون شماره (۵۹۱۱) مراکش دامنه مسئولیت را گسترش داد و محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی را برای هر کسی که ثابت شود در خرید رأی دست داشته است، چه نامزد، رأی‌دهنده یا واسطه، تصریح کرد.

در یک زمینه وسیع‌تر، برخی کشورها شفافیت مالی را به‌عنوان اولین خط دفاعی در برابر چنین رویه‌هایی تعیین کرده‌اند. به‌عنوان مثال، شیلی و فیلیپین محدودیت‌هایی را برای هزینه‌های مبارزات انتخاباتی تعیین کرده و افشای دوره‌ای منابع مالی را الزامی کرده‌اند. در همین حال، اندونزی با انتشار جزئیات هزینه‌ها در پلتفرم‌های عمومی، اصل «پاسخگویی عمومی» را برای هر کمپینی که از محدودیت‌های هزینه خود فراتر می‌رود، اتخاذ کرده و بدین ترتیب نظارت عمومی را به یک اقدام پیشگیرانه و نه صرفاً بازدارنده تبدیل کرده است. در مقابل، برخی از سیستم‌های اروپای شرقی، مانند بلغارستان و رومانی، اختیار قابل توجهی را به مقامات تحقیقاتی واگذار کرده‌اند که علیرغم وجود قوانین کیفری، اثربخشی بازدارندگی را کاهش داده است. (Al-Sawi, 2007)

این اختلاف نشان‌دهنده این واقعیت است که جرم‌انگاری به‌تنهایی، اگر با سازوکارهایی برای نظارت و ابطال نتایج همراه نباشد، تضمین‌کننده سلامت نیست، زیرا تخلف قبل از صدور حکم قضایی لازم‌الاجرا می‌شود. موضع قانون‌گذاری بهینه، موضعی است که خرید رأی را به‌عنوان حمله‌ای به نظم عمومی دموکراتیک طبقه‌بندی کند و با آن به‌عنوان جرمی علیه دولت، نه علیه یک فرد، برخورد کند و در نتیجه مجازات‌های کیفری و سیاسی را در نظر بگیرد. (Abd al-Nabi, 1998) به‌طور خاص، فقه تطبیقی تأکید می‌کند که قانون‌گذاری که اصل «ابطال نتایج بلافاصله پس از وقوع تخلف» را اعمال می‌کند، مؤثرتر از قانون‌گذاری است که به مجازات‌های بعدی بسنده می‌کند. (Ajil, 2019) بنابراین، موضع قانون‌گذاری تطبیقی نشان می‌دهد که توسعه در جرم‌انگاری خرید رأی به سمت ادغام بازدارندگی کیفری با ضمانت‌های اداری و مالی پیش می‌رود تا سیستمی ایجاد شود که شفافیت انتخابات را تضمین کند و از اراده عمومی در برابر دستکاری یا فروش محافظت کند. این یک گام اساسی در جهت ایجاد مدل بهینه برای جرم‌انگاری تخلفات انتخاباتی در دموکراسی‌های جدید است. (Sari)

سوءاستفاده از بودجه عمومی و منابع دولتی به نفع نامزدها

سوءاستفاده از بودجه عمومی و منابع دولتی در مبارزات انتخاباتی یکی از جدی‌ترین تخلفاتی است که اصل فرصت برابر بین رقبای تهدید می‌کند و جوهره فرآیند دموکراتیک را مخدوش می‌سازد. این عمل از مرزهای رقابت مشروع فراتر می‌رود و منابع و اعتبار دولتی را برای خدمت به گروه خاصی از نامزدها، به‌ویژه کسانی که مناصب دولتی دارند یا از نفوذ اداری برخوردارند، به کار می‌گیرد. این عمل در محیط‌های سیاسی رخ می‌دهد که نظارت بر هزینه‌های عمومی ضعیف است و مرز بین بودجه دولتی و سیاسی مبهم است. مقامات از نفوذ اداری خود برای هدایت منابع عمومی به سمت تقویت مبارزات انتخاباتی خود یا حمایت از نامزدهای وفادار به خود سوءاستفاده می‌کنند. (Abd al-Salam) این عمل ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد، مانند استفاده از وسایل نقلیه و اماکن دولتی برای تبلیغات انتخاباتی، استخدام کارکنان تأسیسات عمومی در ساعات کاری برای خدمت به نامزد، یا توزیع کمک‌ها و مزایای اجتماعی به نام مقامات دولتی برای تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان. بنابراین، تأثیر مستقیم آن در تضعیف اصل برابری بین نامزدها آشکار می‌شود، زیرا افراد در مناصب قدرت از امتیازات مادی و اداری برخوردارند که آنها را قادر می‌سازد از طریق وسایلی که برای دیگران در دسترس نیست، به عموم مردم دسترسی پیدا کنند. (Al-Sawi, 2007)

تأثیر این پدیده بر اصل فرصت برابر تنها به بُعد مالی محدود نمی‌شود، بلکه به تأثیر نمادین بر آگاهی رأی‌دهندگان نیز گسترش می‌یابد. شهروندان استفاده از منابع دولتی را نشانه‌ای از مشروعیت یا نزدیکی یک نامزد به نهادهای دولتی می‌دانند، بنابراین تمایل دارند به آنها به‌عنوان قوی‌ترین یا تأثیرگذارترین رأی دهند. این برداشت نادرست است که باعث ایجاد تعصبی نه مبتنی بر برنامه‌ها یا شایستگی سیاسی، بلکه مبتنی بر یک تصویر اداری مصنوعی می‌شود. (Al-Imarat, 2021) این تأثیر در عمل در بسیاری از تجربیات انتخاباتی در جهان عرب

آشکار شده است. گزارش‌های نظارتی در بیش از یک کشور نشان داده است که وزرا و استانداران از پروژه‌های دولتی و خدمات عمومی برای اهداف انتخاباتی سوءاستفاده می‌کنند، علیرغم وجود متون قانونی که این امر را ممنوع می‌کند، که «استفاده از منابع عمومی یا محل‌های کار دولتی برای تبلیغات انتخاباتی» را ممنوع می‌کند، و ماده (۳۲) قانون انتخابات عراق شماره ۳۱ سال ۲۰۱۹ که کارمندان دولت را از انجام هرگونه فعالیت انتخاباتی در مؤسسات خود منع می‌کند. با این وجود، اعمال این قوانین به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و مکانیسم‌های نظارتی ضعیف همچنان محدود است. (Al-Shaqai)

در مقابل، برخی از قوانین خارجی با قاطعیت بیشتری به این موضوع پرداخته‌اند. قانون انتخابات فدرال کانادا مصوب سال ۲۰۰۰ «استفاده از اموال دولتی یا منابع عمومی برای هرگونه هدف انتخاباتی» را ممنوع کرده و مجازات‌هایی تا دو سال زندان و جریمه‌های سنگین را برای آن تعیین کرده است. قانون فرانسه، در ماده L.52-8 قانون انتخابات، نامزدها را ملزم می‌کند که بودجه‌های انتخاباتی خود را کاملاً از بودجه عمومی جدا کنند و به کمیسیون عالی انتخابات این قدرت را می‌دهد که هرگونه هزینه مشکوک به منشأ دولتی را بررسی و فوراً مصادره کند. در برخی از دموکراسی‌های آمریکای لاتین، مانند برزیل و مکزیک، این عمل «فساد پیچیده انتخاباتی» محسوب می‌شود که نه تنها به عنوان یک جرم انتخاباتی، بلکه به عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی نیز قابل مجازات است، بنابراین مجازات را دو برابر می‌کند و مرتکب را از صلاحیت سیاسی محروم می‌کند. (Sari)

در بخش مبارزه با مواد مخدر، سیستم‌های حقوقی تطبیقی به سمت ترکیب اقدامات پیشگیرانه با مجازات‌های بازدارنده گرایش دارند. علاوه بر پیگرد قانونی کیفری، برخی از کشورها به مکانیسم‌های نظارت اداری، مانند ایجاد کمیته‌ها یا نهادهای مستقل برای نظارت بر بی‌طرفی مقامات دولتی در طول مبارزات انتخاباتی، متکی هستند. این مکانیسم در کشورهایی مانند هند و فیلیپین از طریق اجرای آنچه به عنوان «سیستم بی‌طرفی انتخاباتی برای بخش دولتی» شناخته می‌شود، مؤثر بوده است. علاوه بر این، سیستم‌های افشای مالی قبلی و انتشار عمومی لیست هزینه‌های مبارزات انتخاباتی برای تسهیل نظارت عمومی و رسانه‌ای اتخاذ شده است. در بخش مجازات، برخی از قوانین عربی، مانند پیش‌نویس قانون اردن در سال ۲۰۲۱، اعمال مجازات دوگانه‌ای را که ترکیبی از حبس و محرومیت سیاسی است، گسترش داده‌اند، که به موجب آن هر کسی که به دلیل استفاده از منابع دولتی برای اهداف شخصی مجرم شناخته شود، از نامزدی برای تصدی مناصب در آینده منع می‌شود. (Afifi, 1984)

فرصت‌های برابر برای نامزدها صرفاً از طریق متون قانونی حاصل نمی‌شود؛ بلکه به اراده‌ای نهادی برای فعال کردن نظارت مؤثر بر بودجه عمومی و جلوگیری از تبدیل مناصب دولتی به ابزاری انتخاباتی نیاز دارد. سوءاستفاده از منابع دولتی، انتخابات را از جوهره دموکراتیک خود تهی می‌کند و آن را به رقابتی ناعادلانه بین صاحبان قدرت و بی‌قدرتان تبدیل می‌کند. بنابراین، مبارزه با این شیوه‌ها، از طریق جرم‌انگاری، نظارت و حذف سیاسی، ستونی اساسی برای ایجاد اعتماد عمومی به سلامت انتخابات و پاسداری از اصل برابری حقوقی و سیاسی در جوامع مدرن و دموکراسی‌های نوظهور است. (Abd al-Salam)

اشکال و تأثیرات آن بر اصل فرصت‌های برابر

تصاویری از سوءاستفاده از بودجه عمومی و امکانات دولتی به نفع نامزدها، در مجموعه‌ای از رویه‌ها آشکار می‌شود که در آن منافع سیاسی با منابع دولتی در هم تنیده می‌شود، به گونه‌ای که مقام یا کارمند دولتی از ابزارها و امکاناتی که در اختیار دارد برای خدمت به مبارزات انتخاباتی خود یا حمایت از نامزد وفادار به خود استفاده می‌کند که منجر به نقض جدی اصل فرصت‌های برابر بین رقبای می‌شود. (Al-Imarat, 2021)

از جمله این تصاویر، استفاده از وسایل نقلیه دولتی برای حمل و نقل نامزدها، هواداران آنها یا مواد تبلیغاتی است. این امر به یک نامزد بانفوذ اجازه می‌دهد تا بدون متحمل شدن هزینه‌های رقابتی خود، منطقه جغرافیایی وسیعی را پوشش دهد. همچنین تأثیر روانی بر رأی‌دهندگان ایجاد می‌کند که این وسایل را با اعتبار دولت مرتبط می‌دانند. تصویر دیگر، اختصاص ستادهای دولتی، مدارس یا سالن‌های عمومی برای برگزاری جلسات انتخاباتی برای نامزدهای خاص است. این امر فضاهای رایگان و مجبزی را در اختیار آنها قرار می‌دهد، در حالی که رقابتی آنها مجبور به اجاره مکان‌های خصوصی می‌شوند و به آنها یک مزیت مادی و معنوی ارزشمند می‌دهد. (Al-Rassas, 1995)

سوءاستفاده همچنین به استفاده از منابع مالی دولتی به شکل کمک‌های مالی یا اجتماعی که قبل از انتخابات به رأی‌دهندگان ارائه می‌شود، گسترش می‌یابد و مرز بین کار اجتماعی مشروع و تبلیغات انتخاباتی پنهان را محو می‌کند. این الگوی عمل در محیط‌هایی رایج است که کنترل‌ها ضعیف هستند، جایی که غذا، کوپن‌های مالی یا خدمات پزشکی رایگان تحت عنوان «مسئولیت دولت» توزیع می‌شوند، در حالی که هدف واقعی خرید وفاداری رأی‌دهندگان است. قانون شماره ۴۶ مصر مصوب ۲۰۱۴ به‌صراحت این رفتار را در ماده (۵۷) ممنوع کرده است، که ممنوعیت استفاده از خدمات یا کمک‌های عمومی برای اهداف انتخاباتی را تصریح می‌کند و مجازات‌هایی تا پنج سال زندان را تعیین می‌کند. به‌طور مشابه، ماده (۳۲) قانون انتخابات عراق مصوب ۲۰۱۹، هر کارمند دولتی را از استفاده از اموال یا بودجه دولتی به نفع یک نامزد منع می‌کند. با این حال، اجرای ضعیف این قانون، تخلف را گسترده‌تر می‌کند. (Al-Dulaimi, 2001)

یکی دیگر از مسائل جدی، دستکاری در کارهای اداری و نهادی برای خدمت به مبارزات انتخاباتی است، مانند اختصاص دادن کارمندان وزارتخانه یا شهرداری به وظایف مربوط به مبارزات انتخاباتی یا سازماندهی جلسات. این به معنای تحمیل بار سنگین بر خزانه دولت از حقوق و تلاش‌های کارمندانی است که برای یک حزب سیاسی خاص کار می‌کنند. قانون انتخابات کانادا در سال ۲۰۰۰ با تصریح اینکه هر کارمندی که از زمان کار یا منابع دولتی برای اهداف انتخاباتی استفاده کند، مرتکب جرم کیفری می‌شود که مجازات آن تا دو سال حبس، جریمه نقدی و از دست دادن شغل است، به این موضوع قاطعانه پرداخت. در قانون فرانسه، ماده L.52-8 نامزدها را ملزم می‌کند که بودجه مبارزات انتخاباتی خود را به‌طور کامل از بودجه عمومی جدا کنند و به کمیسیون عالی انتخابات این قدرت را می‌دهد که هرگونه منابع دولتی مورد استفاده برای مبارزات انتخاباتی را مصادره کند. (Afifi, 1984)

در سطح بین‌المللی، دموکراسی‌های آمریکای لاتین مانند برزیل و مکزیک، سوءاستفاده از بودجه عمومی را نوعی پیچیده از فساد انتخاباتی و سوءاستفاده از قدرت می‌دانند. قوانین آنها مجازات‌هایی را برای متخلفان از جمله محرومیت سیاسی، رد صلاحیت برای نامزدی در انتخابات آینده، حبس و جریمه نقدی تعیین می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که مجازات‌ها صرفاً با ارزش پولی عمل سنجیده نمی‌شوند، بلکه با تأثیر آن بر رقابت عادلانه نیز سنجیده می‌شوند. (Al-Anbaki, 1992)

تأثیرات این تصاویر بر اصل فرصت‌های برابر چندوجهی است. آنها به نامزد مورد نظر مزایای مالی و لجستیکی نسبت به رقبایش می‌دهند و مستقیماً الزام دسترسی برابر به رأی‌دهندگان را در طول دوره مبارزات انتخاباتی که از نظر قانونی الزامی است، نقض می‌کنند. علاوه بر این، آنها یک سوگیری روانی در بین عموم مردم ایجاد می‌کنند که ممکن است تصویر نامزد را با خود دولت مرتبط کنند و قدرت یا اجتناب‌ناپذیری پیروزی او را القا کنند و در نتیجه ایده انتخاب آزاد بر اساس برنامه یا شایستگی را تضعیف کنند. علاوه بر این، این شیوه‌ها اعتماد عمومی به سلامت انتخابات را تضعیف می‌کنند، زیرا سایر نامزدها و عموم مردم، رقابت را از پیش تعیین‌شده به نفع هر کسی که منابع دولت را کنترل می‌کند، می‌دانند و در نتیجه روند دموکراتیک را بی‌معنی می‌کنند. (Al-Anzi, 2021)

علیرغم وجود متون قانونی بازدارنده در بسیاری از کشورها، اثربخشی آنها به قدرت و استقلال نهادهای نظارتی و همچنین اراده سیاسی برای پاسخگو نگه داشتن مقامات درگیر بستگی دارد. قوانین ممکن است روی کاغذ بازدارنده باشند، اما بدون اجرای مؤثر، سوءاستفاده از بودجه عمومی همچنان وجود دارد و در نتایج انتخابات و منصفانه بودن رقابت سیاسی تأثیرگذار است. این امر، فعال کردن نظارت و پاسخگویی اداری و کیفری را به رکنی اساسی برای تضمین فرصت‌های برابر و محافظت از اراده عمومی در برابر هرگونه نفوذ نامشروع تبدیل می‌کند.

(Al-Rassas, 1995)

راه‌های مبارزه و مجازات‌های مقرر

مبارزه با سوءاستفاده از بودجه عمومی و منابع دولتی به نفع نامزدها، متکی بر اقدامات پیشگیرانه و مجازات‌های تنبیهی است که با هدف جلوگیری از چنین اقداماتی و مجازات عاملان انجام می‌شود و در نتیجه، سلامت روند انتخابات و فرصت‌های برابر را تضمین می‌کند. در جنبه پیشگیرانه، قانون مدرن، نهادهای دولتی را ملزم به حفظ بی‌طرفی انتخاباتی می‌کند و کارمندان دولت را از شرکت در فعالیت‌های انتخاباتی در ساعات کاری یا استفاده از منابع امکانات عمومی منع می‌کند. این امر در ماده (۵۷) قانون شماره (۴۶) مصر مصوب ۲۰۱۴ تصریح شده است که به صراحت استفاده از منابع یا امکانات دولتی برای تبلیغات انتخاباتی را جرم‌انگاری می‌کند. برخی از کشورها، مانند هند و فیلیپین، همچنین به صدور آیین‌نامه‌های اجرایی همراه که جزئیات رویه‌های بی‌طرفی را شرح می‌دهند، مانند ممنوعیت نصب پوستر یا برگزاری جلسات سیاسی در ساختمان‌های دولتی یا مدارس، و تعیین کمیته‌های مستقل صداقت برای نظارت بر هرگونه تخلف، متکی هستند.

(Farghali, 1998)

در چارچوب نظارت، قانون‌گذاری اغلب نهادهای عالی انتخاباتی را با اختیار بازرسی و مصادره فوری هرگونه منابع دولتی مشکوک به استفاده برای اهداف انتخاباتی ایجاد می‌کند. این مورد در فرانسه صادق است، جایی که ماده ۸-۵۲ L قانون انتخابات به شورای قانون اساسی این قدرت را می‌دهد که حساب‌های مالی نامزدها را بررسی کند، هرگونه بودجه مشکوک را رد کند و حتی در صورت مشخص شدن اینکه برنده از منابع دولتی بهره‌مند شده است، نتایج را باطل کند. در کانادا، قانون انتخابات فدرال سال ۲۰۰۰ تصریح می‌کند که نقض قوانین تفکیک تأمین مالی مبارزات انتخاباتی منجر به مجازات‌های کیفری، از جمله حبس تا دو سال، جریمه‌های نقدی بالغ بر هزاران دلار و محرومیت از وکالت می‌شود.

(Al-Ghali, 1978)

در مورد مجازات‌های مقرر، قوانین بین مجازات‌های کیفری، اداری و سیاسی متفاوت است. مجازات‌های کیفری شامل حبس و جریمه نقدی است، همان‌طور که در ماده (۳۲) قانون انتخابات عراق شماره ۳۱ سال ۲۰۱۹ تصریح شده است، که علاوه بر جریمه مالی، برای هر کارمند یا مقامی که ثابت شود از اموال یا منابع دولتی به نفع یک نامزد استفاده کرده است، مجازات حبس حداقل یک سال اعمال می‌کند. در صورتی که این عمل با توطئه یا هماهنگی جمعی در دستگاه دولتی مرتبط باشد، مجازات می‌تواند دو برابر شود. در برخی از کشورها، مانند اردن، مجازات‌ها گسترش یافته و شامل انزوای سیاسی و رد صلاحیت از نامزدی در آینده نیز می‌شود، همان‌طور که در پیش‌نویس قانون اردن در

سال ۲۰۲۱ تصریح شده است، که فرد متخلف را از نامزدی در دو دوره بعدی انتخابات منع می‌کند. (Al-Anbaki, 1992)

در دموکراسی‌های آمریکای لاتین مانند برزیل و مکزیک، قانون‌گذاری پا را فراتر گذاشته و سوءاستفاده از بودجه عمومی را به‌عنوان یک جرم «فساد پیچیده انتخاباتی» طبقه‌بندی کرده است که مجازات آن حبس‌های طولانی‌مدت تا ده سال و انفصال دائم از مناصب دولتی است. این امر به تقویت بازدارندگی و جلوگیری از تکرار چنین رفتاری کمک می‌کند. در مقام مقایسه، قانون انتخابات اسپانیا در سال ۱۹۸۵ سوءاستفاده از

منابع عمومی را در میان جرایم «به خطر انداختن سلامت انتخابات» قرار داد و مجازات حبس و جریمه نقدی را اعمال کرد و دیوان عالی کشور در صورت اثبات تخلف جدی، قدرت ابطال نتایج را داشت. (Abd al-Wahhab, 2011)

علاوه بر مجازات‌های کیفری، روش‌های مبارزه با فساد شامل مجازات‌های مستقیم اداری، مانند ارجاع کارمند به کمیته انضباطی داخلی و اخراج او از سمتش می‌شود. این کار توسط نهادهای نظارتی در کشورهایی مانند مراکش، طبق ماده ۶۵ قانون خدمات کشوری، انجام می‌شود که اخراج هر کارمندی را که از منابع اداره خود برای مبارزات انتخاباتی استفاده می‌کند، الزامی می‌کند. سازوکارهای شفافیت نیز نقش پیشگیرانه‌ای ایفا می‌کنند. برخی از قوانین، مانند قانون انتخابات بریتانیا در سال ۱۹۸۳، همه نامزدها را ملزم به ارائه گزارش‌های دقیق در مورد منابع مالی و هزینه‌های خود در طول دوره مبارزات انتخاباتی می‌کند و این داده‌ها را به صورت عمومی منتشر می‌کند. این امر به رسانه‌ها و جامعه مدنی اجازه می‌دهد تا هرگونه اختلاط بودجه عمومی با امور مالی مبارزات انتخاباتی را رصد کنند. (Al-Attar, 1974)

یکی از روش‌های مدرن، فعال کردن نظارت میدانی از طریق تیم‌های مستقلی است که در طول مبارزات انتخاباتی، بازدیدهای سرزده از نهادهای عمومی انجام می‌دهند. این روش در انتخابات ۲۰۱۹ فیلیپین اجرا شد، جایی که وسایل نقلیه شهرداری در حال حمل مواد تبلیغاتی دستگیر شدند. کارمندان درگیر در این امر در طول دوره رأی‌گیری تعلیق و به قوه قضائیه ارجاع داده شدند. این مداخله سریع یکی از مؤثرترین عوامل بازدارنده محسوب می‌شود، زیرا مانع از آن می‌شود که متخلفان قبل از پایان روند انتخابات از اقدامات خود سود ببرند. اثربخشی روش‌ها و مجازات‌های ضد فساد صرفاً با سخت‌گیری متون قانونی سنجیده نمی‌شود، بلکه با میزان تعهد مقامات به اجرای آنها بدون استثنا یا گزینشی نیز سنجیده می‌شود. درخواست قاطع، سیگنال محکمی را به همه بازیگران سیاسی می‌فرستد که منابع عمومی خط قرمزی هستند که نمی‌توان از آنها عبور کرد و هرگونه تلاشی برای سوءاستفاده از آنها منجر به مجازات‌های مالی، سیاسی و اداری پرهزینه خواهد شد، بنابراین اصل فرصت برابر را تقویت کرده و یکپارچگی روند دموکراتیک را تضمین می‌کند. (Farghali, 1998)

دخالت در آزادی نامزدی و مبارزات انتخاباتی

دخالت در آزادی نامزدی و مبارزات انتخاباتی یکی از جدی‌ترین اشکال تخلفاتی است که بر جوهره فرآیند دموکراتیک تأثیر می‌گذارد، زیرا منجر به تضعیف حق شهروندی برای نامزدی آزاد و حق رأی‌دهنده برای انتخاب آگاهانه، از طریق رویه‌ها یا رویه‌های نامشروع با هدف حذف یا محدود کردن حرکت نامزدها یا محدود کردن فعالیت مشروع مبارزات انتخاباتی آنها می‌شود. (Al-Manoufi, 1985) بخش اول این الزام به محدودیت‌های نامشروع برای نامزدها می‌پردازد، که اقداماتی هستند که بدون مبنای قانونی اعمال می‌شوند یا به طور دلخواه تفسیر می‌شوند تا فرصت‌های گروه خاصی از رقبای محدود کنند؛ مانند اعمال شرایط اداری یا مالی بیش از حد، یا الزام به تأیید یا تأییدیه‌هایی که خارج از محدوده تعیین‌شده توسط قانون هستند، یا توسل به اخلال یا لغو ثبت نام نامزدی بر اساس دلایل سیاسی یا امنیتی ساختگی، علاوه بر رویه‌های ضمنی مانند حذف نامزدهای غیر وفادار از فعالیت‌های رسمی اداری یا رسانه‌ای.

اکثر قوانین تطبیقی چنین مداخلاتی را ممنوع کرده‌اند. ماده (۴) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, ۱۹۶۶، ماده ۴) تصریح می‌کند که حقوق سیاسی فقط می‌تواند توسط قانون و به دلایل ذکرشده متناسب با ضرورت دموکراتیک محدود شود. قوانین انتخابات در کشورهایی مانند فرانسه، کانادا و اسپانیا تأکید کرده‌اند که ثبت نام کاندیداتوری باید برای همه کسانی که شرایط عینی را دارند، بدون تبعیض یا حذف خودسرانه، آزاد باشد. (Abd al-Wahhab, 2011)

شاخه دوم به حفاظت از فعالیت‌های مشروع انتخاباتی به عنوان حق نامزد برای ارائه برنامه خود و ارتباط با رأی‌دهندگان می‌پردازد که مستلزم جلوگیری از هرگونه محدودیت بر مبارزات قانونی، مانند هدف قرار دادن ستادهای آنها، لغو مجوز برای جلسات عمومی بدون توجیه مشروع، جلوگیری از توزیع مطالب تبلیغاتی مطابق با قانون یا قطع وسایل ارتباطی و رسانه‌ای از طریق فشار سیاسی یا اداری است.

قوانین بسیاری از کشورها این حمایت را تضمین می‌کنند. به عنوان مثال، قانون شماره ۴۶ مصر مصوب سال ۲۰۱۴ هرگونه مانع‌تراشی در فعالیت‌های نامزدها را در مواد (۳۳) و (۵۵) جرم‌انگاری می‌کند و مقامات مربوطه را موظف می‌کند که رویدادهای انتخاباتی را برای همه نامزدها به طور مساوی تضمین کنند. (Fawzi, 1985) به طور مشابه، قانون انتخابات فرانسه حق نامزدها را برای استفاده از میداين و فضاهای عمومی در مرزهای محلی به رسمیت می‌شناسد و شهرداری‌ها را از جلوگیری از برگزاری جلسات به دلایل سیاسی منع می‌کند. در سیستم‌های آمریکای لاتین مانند برزیل و مکزیک، جلوگیری از فعالیت‌های انتخاباتی یک تخلف جدی انتخاباتی محسوب می‌شود که با توجه به تأثیر مستقیم آن بر تضعیف رقابت دموکراتیک، مجازات حبس و محرومیت سیاسی را به همراه دارد. (Abd al-Salam)

پرداختن به این مطالبه و جنبه‌های مختلف آن، با جلوگیری از محدودیت‌های نامشروع و تضمین حمایت از فعالیت‌های مشروع مبارزات انتخاباتی، سنگ بنای حفظ اصل برابری سیاسی و تضمین آزادی رقابت انتخاباتی است، زیرا هرگونه نقض این دو حق، انتخابات را به یک فرآیند صوری تبدیل می‌کند که منعکس‌کننده اراده واقعی رأی‌دهندگان نیست و دموکراسی را از محتوای واقعی خود تهی می‌کند.

محدودیت‌های غیرقانونی برای داوطلبان

محدودیت‌های غیرقانونی برای نامزدها از جمله برجسته‌ترین ابزارهایی هستند که اصل برابری در رقابت‌های انتخاباتی را تضعیف می‌کنند و حقوق سیاسی را از محتوای خود تهی می‌کنند، زیرا هدف آنها محدود کردن یا حذف برخی از نامزدها از طریق رویه‌هایی است که به نظر قانونی یا رویه‌ای می‌آیند، اما در واقع شامل نقض آشکار اصول قانون اساسی و استانداردهای بین‌المللی تنظیم‌کننده روند انتخابات هستند. (Al-Manoufi, 1985) این محدودیت‌ها خود را به اشکال مختلفی نشان می‌دهند، از جمله تحمیل شرایط اداری یا رسمی غیرممکن که از آنچه قانون اجازه می‌دهد فراتر می‌رود. این شامل الزام تعداد زیادی تأیید یا امضا برای حمایت از یک نامزدی یا تحمیل هزینه‌های گزاف ثبت نام است که با توان مالی نامزدهای گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر نامتناسب است. این امر مستقیماً اصل فرصت برابر را که در ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR، ۱۹۶۶، ماده ۲۵) تأکید شده است، نقض می‌کند. علاوه بر این، برخی از مقامات در تفسیر محدود یا نادرست صلاحیت‌های نامزدی به استفاده از قدرت اختیاری متوسل می‌شوند که منجر به حذف نامزدها بر اساس معیارهایی می‌شود که به صراحت در قانون تصریح نشده است، یا با استفاده از توجیهات امنیتی یا سیاسی سست، مانع از ثبت نام آنها می‌شوند. (Al-Abdali, 2009) در سال ۱۹۹۹، دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی حکم داد که هرگونه شرط یا محدودیتی در مورد حق نامزدی در انتخابات باید ضروری و متناسب با یک هدف مشروع باشد و تصمیماتی را که مانع نامزدی برخی از فعالان به دلیل عدم وفاداری سیاسی آنها شده بود، لغو کرد. (Fawzi, 1985)

یکی دیگر از رویه‌های رایج، به تأخیر انداختن پذیرش نامزدی‌ها برای محدود کردن زمان نامزدها یا لغو درخواست‌های کامل بدون توجیه قانونی است. گزارش‌های نظارتی در مورد برخی از انتخابات شهرداری‌ها در کشورهای آفریقایی نشان داده است که کمیته‌های ثبت نام از تشریفات رویه‌ای برای حذف نامزدهای مخالف استفاده کرده‌اند، که این امر نقض قوانین ملی است که به طور کامل زمینه‌های رد نامزدی را تعریف می‌کنند. در قانون مصر، قانون شماره (۴۶) سال ۲۰۱۴ تصریح می‌کند: «درخواست نامزدی فقط در صورتی می‌تواند رد شود که نامزد

الزامات قانونی را برآورده نکند»، و بنابراین هرگونه تصمیم اداری را که شرایطی را که در قانون تصریح نشده است، اضافه کند، باطل می‌کند. در عراق، [موارد زیر تصویب شد] (قانون کمیسیون انتخابات عراق شماره ۳۱ سال ۲۰۱۹، ماده ۸) که تأیید می‌کند حق نامزدی برای همه کسانی که شرایط قانون اساسی را دارند، بدون تبعیض یا محدودیت‌های خودسرانه تضمین شده است، و به کمیسیون عالی مستقل انتخابات اختیار نظارت بر هر کمیته یا نهادی را می‌دهد که مانع نامزدی خارج از مقررات قانونی می‌شود.

قوانین تطبیقی از این روند حمایت می‌کنند. در قانون انتخابات فرانسه، مواد L.44 و L.118 زمینه‌های رد صلاحیت نامزدی را محدود کرده و افزودن هرگونه شرط نامشخص را ممنوع می‌کنند. به‌طور مشابه، قانون انتخابات عمومی بریتانیا مصوب ۱۹۸۳ تصریح کرد که رد صلاحیت یک نامزد بر اساس تفسیرهای شخصی یا صلاح‌دید اداری، رد صلاحیت غیرقانونی محسوب می‌شود و مستلزم پیگرد قانونی افراد مسئول و خسارات مدنی بالقوه است. با این حال، قانون انتخابات فدرال کانادا مصوب ۲۰۰۰، رد پرونده کامل نامزدی را به دلایل سیاسی یا با هدف تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات، جرم کیفری و مستلزم پیگرد قانونی می‌داند. (Al-Abdali, 2009)

محدودیت‌های غیرقانونی همچنین می‌توانند به شکل ارباب یا تهدید علیه نامزدها باشند و مانع از اعمال آزادانه حقوق آنها شوند. این امر می‌تواند از طریق فشارهای امنیتی، تهدید به افترا یا آسیب به منافع شخصی و اقتصادی حاصل شود. چنین اقداماتی توسط قانون موقت شماره ۳۴ اردن مصوب ۲۰۰۱ (ماده ۲۲) ممنوع شده است که آنها را به‌عنوان جرایم انتخاباتی قابل مجازات با حبس و جریمه طبقه‌بندی می‌کند. در برزیل، قانون سلامت انتخابات ۱۹۹۷ هرگونه فعل یا ترک فعلی را که حق نامزدی را خارج از چارچوب قانونی محدود کند، به‌عنوان جرم علیه سلامت طبقه‌بندی می‌کند و مجازات پنج سال حبس و محرومیت سیاسی را برای آن تعیین می‌کند. خطر این محدودیت‌ها در این واقعیت نهفته است که آنها اغلب تحت پوشش مشروعیت رسمی، با سوءاستفاده از خلأهای رویه‌ای یا تفسیرهای گسترده از متون قانونی اعمال می‌شوند. رسیدگی به آنها مستلزم مقررات قانونی روشن و قاطعی است که منحصرأ زمینه‌های ممنوعیت یا محرومیت را تعریف کرده و نظارت قضایی سریع و مؤثری را بر تصمیمات مقامات اداری، مطابق با استانداردهای قانون اساسی و اصول بین‌المللی حقوق سیاسی، اعمال کند. شاید به‌کارگیری این ضمانت‌ها همان چیزی باشد که تضمین می‌کند روند انتخابات، فضایی آزاد و باز برای همه بازیگران سیاسی در شرایط برابر باقی بماند و از تبدیل شدن انتخابات به ابزاری برای تحکیم هژمونی یا طرد سیاسی جلوگیری کند. (Alwan, 2006)

حفاظت از فعالیت‌های تبلیغاتی مشروع

حفاظت از فعالیت‌های مشروع انتخاباتی، رکن اساسی در حفظ سلامت روند انتخابات و تضمین رقابت آزاد بین نامزدها است. این فعالیت، چارچوب قانونی را نشان می‌دهد که به نامزدها اجازه می‌دهد برنامه‌های سیاسی خود را بیان کنند و بدون ترس، تبعیض یا محدودیت از سوی هر نهاد رسمی یا غیررسمی با رأی‌دهندگان ارتباط برقرار کنند. مبارزات انتخاباتی مشروع، تجلی عملی اصل آزادی بیان مندرج در ماده ۱۹ (ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶) است که حق مشارکت در امور عمومی، چه از طریق رأی دادن و چه از طریق نامزدی برای تصدی مقام را تضمین می‌کند. این امر مستلزم آن است که فعالیت‌های انتخاباتی تحت هیچ محدودیت غیرمنطقی که با الزامات یک جامعه دموکراتیک مغایرت دارد، قرار نگیرند. قانون‌گذاری مدرن با دقت تدابیر حفاظتی دقیقی را ایجاد می‌کند که مرزهای بین مبارزات انتخاباتی مشروع و شیوه‌های ممنوعه مانند خرید رأی، تحریک یا سوءاستفاده از منابع دولتی را تعریف می‌کند، به‌طوری‌که قانون همچنان حامی حق نامزد برای ارتباط آزاد و ترغیب مشروع باشد. (Al-Qayyar)

در قانون مصر، ماده (۵۵) قانون شماره ۴۶ سال ۲۰۱۴ تصریح می‌کند که «هر کسی که عمداً مانع یا مختل کردن جلسات انتخاباتی مشروع شود یا در مواد تبلیغاتی دارای مجوز اختلال ایجاد کند، با حبس و جریمه مجازات خواهد شد» و تأکید می‌کند که محافظت از کمپین‌ها صرفاً یک تعهد اخلاقی نیست، بلکه یک وظیفه قانونی بر عهده نهادهای دولتی است. همین قانون، در ماده (۳۳)، برابری بین همه نامزدها را در استفاده از رسانه‌های رسمی تضمین می‌کند و هرگونه تبعیض یا محرومیت از پخش یا انتشار را ممنوع می‌کند و رسانه‌های رسمی را اموال عمومی متعلق به همه شهروندان می‌داند و نه ابزاری برای دستکاری اراده رأی‌دهندگان بر اساس منافع دولتی یا حزبی. این چارچوب قانونی منعکس‌کننده یک فلسفه روشن است که فعالیت انتخاباتی را یک حق سیاسی می‌داند، نه یک امتیاز نظارتی، و بنابراین مانع‌تراشی در اجرای آن نقض مستقیم آزادی بیان و رقابت سیاسی است. (Alwan, 2006)

در عراق، ماده ۲۴ قانون کمیسیون انتخابات عراق شماره ۳۱ سال ۲۰۱۹ تصریح می‌کند که کمیسیون عالی مستقل انتخابات تنها نهاد مجاز برای تنظیم فعالیت‌های انتخاباتی است، ضمن اینکه به اصل بی‌طرفی در میان همه نامزدها پایبند است و هرگونه دخالت نهادهای دولتی یا احزاب حاکم در محدود کردن آزادی تبلیغات یا انتخاب مکان‌های ملاقات را ممنوع می‌کند. (Rabie & Metwally, 2013) همین ماده همچنین مجازات‌هایی را برای هر کسی که مانع فعالیت‌های انتخاباتی مشروع شود یا از نمایش پوسترهای تبلیغاتی مجاز یا سایر مواد تبلیغاتی جلوگیری کند، اعمال می‌کند و این را یک جرم انتخاباتی قابل مجازات توسط دادگاه صالح می‌داند. (Abd al-Salam) در مقابل، مقررات کمیسیون، نیروهای امنیتی را موظف می‌کند که بدون تبعیض، از همه کمپین‌ها محافظت برابر کنند، که نشان‌دهنده یک مدل متری برای تضمین امنیت انتخابات در عین احترام به حقوق مدنی و سیاسی است. (Al-Qayyar)

قوانین تطبیقی بر حمایت از فعالیت‌های انتخاباتی از طریق ضمانت‌های قانونی و قضایی تأکید می‌کنند. در فرانسه، ماده L.52-1 قانون انتخابات، حق کاندیدا برای تبلیغات آزادانه را تضمین می‌کند و محدود کردن توزیع مطالب تبلیغاتی یا برگزاری جلسات سیاسی مشروع را ممنوع می‌کند. علاوه بر این، دادگاه‌ها پیوسته حکم داده‌اند که اگر جلوگیری از تبلیغات کاندیدا، اصل رقابت منصفانه را نقض کند، نتایج انتخابات باید باطل شود. در بریتانیا، قانون انتخابات ۱۹۸۳ استفاده از فضاهای عمومی برای ارتباط با رأی‌دهندگان را تضمین می‌کند و امتناع از صدور مجوز جلسات به دلایل سیاسی را ممنوع می‌کند، ضمن اینکه مقاماتی را که در محدود کردن چنین فعالیت‌هایی دخیل هستند، مجازات می‌کند.

در کانادا، قانون انتخابات فدرال سال ۲۰۰۰ اصل «بی‌طرفی رسانه‌ای» را تثبیت کرد و همه رسانه‌های دولتی را ملزم به ارائه فرصت‌های برابر پخش و تبلیغات به همه نامزدها نمود. جلوگیری از دسترسی هر نامزد به رسانه‌ها جرمی است که با جریمه و حبس مجازات می‌شود. این قانون همچنین به کمیسیون انتخابات اختیار مداخله مستقیم برای رفع هرگونه محدودیت یا تخلفی که بر آزادی مبارزات انتخاباتی تأثیر می‌گذارد را داد. در مقابل، قانون انتخابات اردن سال ۲۰۲۱، حفاظت از مبارزات انتخاباتی در برابر دخالت‌های امنیتی یا اداری را تصریح کرد و لغو هرگونه رویداد دارای مجوز بدون دلیل موجه را تخلفی دانست که مستلزم ارجاع طرف مسئول به قوه قضائیه است. این کار برای تضمین حق نامزد برای ارائه برنامه خود به عموم انجام شد. (Hassan, 1991)

برخی کشورها از سازوکارهای نظارتی مستقل برای تقویت این حمایت استفاده می‌کنند، مانند کمیسیون سلامت انتخابات برزیل که بر رسانه‌ها و تجمعات عمومی نظارت دارد، گزارش‌های روزانه‌ای در مورد موارد انسداد یا محدودیت‌های انتخاباتی منتشر می‌کند و متخلفان را فوراً به قوه قضائیه ارجاع می‌دهد. به همین ترتیب، قانون ۱۹۸۵ اسپانیا اصل آزادی استفاده از فضاهای عمومی برای مبارزات انتخاباتی را تثبیت کرد

و مقامات شهرداری را ملزم به اختصاص فضاهای مناسب به شیوه‌ای بی‌طرفانه کرد و به نامزدها حق داد در صورت رد درخواستشان بدون توجیه قانونی، به دادگاه اداری شکایت کنند. (Al-Shafi'i, 1972)

حفاظت از فعالیت‌های مشروع مبارزات انتخاباتی صرفاً یک اقدام نظارتی یا امنیتی نیست؛ بلکه تجسم واقعی یک حق اساسی قانون اساسی است که منعکس‌کننده اصل آزادی عقیده و برابری سیاسی است. محروم کردن یک نامزد از آزادی مبارزات انتخاباتی مستقیماً بر آگاهی رأی‌دهندگان تأثیر می‌گذارد و نتایج روند انتخابات را تحریف می‌کند. بنابراین، تدوین مقررات قانونی سختگیرانه‌ای که به نهادهای قضایی و اداری اختیار مداخله فوری برای حفاظت از این حق را می‌دهد، پیش‌نیاز پایداری یک سیستم دموکراتیک مبتنی بر رقابت آزاد و برابر، عاری از هرگونه تبعیض یا دخالت در اراده مردم و حاکمیت انتخاباتی آنها است. (Abd al-Salam)

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی تخلفات انتخاباتی سستی نشان می‌دهد که خرید رأی، سوءاستفاده از بودجه عمومی و منابع دولتی و دخالت در آزادی نامزدی و فعالیت‌های انتخاباتی، هر یک به‌گونه‌ای مستقیم اصول بنیادین سلامت انتخابات، از جمله آزادی اراده رأی‌دهندگان، برابری فرصت‌ها، رقابت سیاسی منصفانه و بی‌طرفی نهادهای عمومی را تضعیف می‌کنند. صرف جرم‌انگاری این رفتارها، بدون وجود سازوکارهای مؤثر نظارتی، قضایی و مالی، برای پیشگیری از تخلفات و تضمین سلامت انتخابات کافی نیست. از این‌رو، حمایت واقعی از اراده عمومی مستلزم ایجاد چارچوب حقوقی منسجم، نظارت مستقل بر تأمین مالی و فعالیت‌های انتخاباتی، اعمال مؤثر و بدون تبعیض ضمانت‌اجراهای کیفری، اداری و سیاسی، تضمین بی‌طرفی نهادهای دولتی و رسانه‌ای و تقویت آگاهی انتخاباتی شهروندان است. تحقق هم‌زمان این الزامات می‌تواند از تبدیل انتخابات به عرصه نفوذ مالی، اداری یا سیاسی جلوگیری کند و زمینه لازم را برای شکل‌گیری رقابتی آزاد، برابر و پاسخگو فراهم سازد؛ رقابتی که در آن نتایج انتخابات بازتاب واقعی اراده عمومی و مبنایی معتبر برای مشروعیت دموکراتیک باشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Elections constitute the principal institutional mechanism through which the popular will is transformed into political authority and democratic legitimacy. Their normative value depends not merely on the formal act of voting but on the existence of conditions that guarantee freedom of choice, political equality, fairness of competition, and institutional neutrality. Traditional electoral violations therefore represent a direct challenge to the substantive integrity of elections because they distort the relationship between voters, candidates, public authorities, and the electoral process itself. Among the most persistent forms of such violations are vote buying, misuse of public funds and state resources, and interference with the freedom of candidacy and electoral campaigning. These practices undermine the principle that the vote must be the autonomous expression of political preference rather than the product of material inducement, administrative privilege, coercion, or discriminatory restriction. Comparative constitutional and electoral scholarship has long

emphasized that electoral legitimacy depends on the protection of political rights against both overt and indirect forms of manipulation (Al-Attar, 1974; Al-Ghali, 1978; Al-Manoufi, 1985). From this perspective, electoral integrity must be understood as a multidimensional legal condition involving procedural fairness, equality among competitors, transparency in electoral financing, impartiality of public institutions, and effective remedies against violations. The present study therefore examines traditional electoral violations within a comparative legal framework and focuses on how these practices affect electoral integrity, democratic legitimacy, and public confidence in representative institutions.

The first dimension concerns vote buying and other forms of unlawful influence over the will of voters. Vote buying is one of the most serious forms of electoral corruption because it transforms the vote from an expression of political judgment into an object of exchange. Its traditional manifestations include direct cash payments, gifts, food vouchers, social assistance, employment promises, administrative privileges, and other material benefits offered in return for electoral support. In economically vulnerable environments, such practices are often reinforced by poverty, social dependency, patronage networks, tribal or religious influence, and weak electoral awareness, all of which make voters more susceptible to inducement (Al-Anzi, 2021; Al-Dulaimi, 2001; Ali, 2005). Vote buying may also take non-material forms, including social pressure, symbolic influence, threats, promises of future access to services, and the mobilization of local notables or community leaders to direct voting behavior. Comparative legal systems increasingly treat these practices not simply as ethical misconduct but as punishable electoral offenses because they attack the freedom and authenticity of electoral choice (Ajil, 2019; Al-Abdali, 2009). The comparative approach further indicates that the effectiveness of criminalization depends on whether legal rules are supported by financial disclosure requirements, independent campaign supervision, enforceable expenditure limits, and rapid mechanisms for invalidating results where corrupt influence is proven. Without such mechanisms, criminal provisions may remain formally strict but practically ineffective. Accordingly, the legal regulation of vote buying must combine criminal sanctions with administrative and political remedies, including disqualification, annulment of results, and oversight of campaign finance (Affi, 2002; Al-Tamimi).

The second dimension concerns the misuse of public funds, government property, and administrative resources in favor of particular candidates. Such conduct violates the principle of equality of opportunity because candidates who control or enjoy access to state resources gain material, logistical, and symbolic advantages unavailable to their competitors. Common practices include the use of government vehicles, public buildings, state employees, administrative communication channels, public assistance programs, and government-funded projects for electoral purposes. These practices are especially problematic when incumbents use their official positions to blur the distinction between public administration and partisan campaigning. The resulting inequality is not limited to financial advantage; it also produces a psychological effect on voters, who may interpret the visible support of state institutions as an indication of legitimacy, inevitability of victory, or official endorsement (Al-Imarat, 2021; Al-Rassas, 1995). Comparative legal systems have responded by adopting rules requiring separation between public and electoral expenditure, prohibiting the use of state property for campaign purposes, and imposing disciplinary, criminal, or political sanctions on officials who abuse public resources. The comparative literature also emphasizes that preventive regulation is as important as post-election punishment. Independent supervisory commissions, financial audits, expenditure disclosure, field monitoring, and institutional neutrality rules can reduce the probability that public resources will be converted into

electoral capital (Al-Sawi, 2007; Farghali, 1998). In this respect, the protection of electoral integrity requires not only formal prohibitions but also enforceable institutional safeguards that prevent public office from becoming an instrument of partisan advantage. Where such safeguards are absent or selectively applied, elections risk becoming competitions between holders of administrative power and candidates who lack access to comparable resources.

The third dimension relates to unlawful interference with the freedom of candidacy and legitimate campaign activity. The right to stand for election is an essential component of political participation and is closely connected to the right of voters to choose among genuine alternatives. Restrictions on candidacy become unlawful when they exceed objectively defined legal requirements, are selectively enforced, or are based on arbitrary political, security, administrative, or financial criteria. Such restrictions may include excessive registration fees, unreasonable signature requirements, politically motivated rejection of nomination papers, delayed registration, cancellation of candidacy without adequate legal grounds, or intimidation aimed at discouraging participation. Comparative electoral law generally seeks to confine disqualification to clearly defined statutory grounds and to subject administrative decisions to effective judicial review (Al-Abdali, 2009; Al-Manoufi, 1985; Sari). Closely related to candidacy is the protection of legitimate campaign activity, including access to public spaces, media platforms, meetings, campaign materials, and communication with voters. Interference with such activity may occur through cancellation of authorized events, restrictions on campaign offices, unequal access to public media, confiscation of campaign materials, or administrative pressure on venues and organizers. Comparative legal systems increasingly recognize such interference as a violation of political equality and freedom of expression and therefore provide judicial and administrative remedies against it (Al-Qayyar; Alwan, 2006; Rabie & Metwally, 2013). The broader principle is that electoral competition is meaningful only when candidates are able to participate under substantially equal legal conditions and when the state acts as a neutral guarantor rather than an interested participant.

The comparative analysis of these three categories demonstrates that traditional electoral violations share a common structural effect: they distort the formation and expression of the popular will. Vote buying compromises voter autonomy; misuse of public resources distorts equality among candidates; and restrictions on candidacy or campaigning reduce political pluralism and the competitiveness of elections. These violations therefore cannot be treated as isolated procedural irregularities because their cumulative effect concerns the legitimacy of the electoral process as a whole. A major finding of the comparative approach is that legal systems are most effective when they integrate criminal law, administrative regulation, political sanctions, financial supervision, and judicial review rather than relying on a single form of deterrence. Criminal punishment alone may occur too late to repair electoral harm, especially where the violation has already influenced voting behavior or altered competitive conditions. For this reason, comparative legal thought increasingly favors immediate administrative intervention, provisional suspension of unlawful practices, transparent financial disclosure, disqualification in serious cases, and annulment of results where violations have materially affected electoral fairness (Abd al-Nabi, 1998; Ajil, 2019; Hussein, 2006). Equally important is the independence of the institutions responsible for enforcement. Election commissions, courts, audit bodies, media regulators, and public prosecutors must be insulated from partisan influence if electoral protections are to operate effectively. The study accordingly finds that electoral integrity is not secured by legislative texts alone; it depends on an institutional culture of neutrality, transparency, accountability, and equal application of the law.

In conclusion, traditional electoral violations remain a major threat to the substantive integrity of elections even where modern legal systems formally recognize political rights and criminalize electoral misconduct. Vote buying, abuse of public resources, and interference with candidacy and campaigning weaken the freedom of political choice, undermine equality among competitors, and reduce public confidence in the legitimacy of electoral outcomes. Effective protection therefore requires a comprehensive approach that combines clear legal prohibitions, independent and rapid judicial protection, strict oversight of campaign financing, transparent use of public resources, equal access to electoral opportunities, neutral public administration, and meaningful protection of lawful political activity. Electoral integrity is achieved only when the entire institutional environment surrounding elections is organized to prevent manipulation before it occurs and to provide effective remedies when violations arise. Strengthening civic awareness is also essential because legal regulation alone cannot eliminate practices sustained by economic dependency, patronage, weak political culture, or public tolerance of electoral corruption. The long-term preservation of democratic legitimacy consequently depends on the interaction of law, institutions, political ethics, and civic responsibility. When these elements function together, elections can serve their genuine constitutional purpose as an authentic expression of the popular will and as a credible basis for democratic government.

References

- Abd al-Nabi, A. Y. (1998). *The Head of State in the Federal Union: A Comparative Study* University of Baghdad].
- Abd al-Rahman, B. A.-M. (2011). *Parliamentary and Political Media*. Osama Publishing House.
- Abd al-Salam, A. The Political Dimensions of the Development of the Electoral System in Egypt.
- Abd al-Wahhab, A. a.-M. m. (2011). *The Electoral System in Algeria*. Dar Al-Alamiya for Publishing and Distribution.
- Abrash, I. (1998). *Political Sociology*. Dar Al-Shorouq.
- Afifi, A. K. (2002). *Parliamentary Elections and Their Constitutional Guarantees: A Comparative Study*. Dar Al-Jame'een.
- Afifi, M. (1984). *Our Electoral System under Review*.
- Ajil, D. H. (2019). *Electoral Crimes: A Comparative Study*. Dar Zain Legal Publications.
- Al-Abdali, S. M. (2009). *Elections: Guaranteeing Their Freedom and Integrity: A Comparative Study*. Dar Dijla.
- Al-Anbaki, T. H. H. (1992). *The Political System of Tunisia, 1959–1989* University of Baghdad].
- Al-Ani, H. S. (2005). *Legislative Elections and Their Consequences*. Center for Studies and Research.
- Al-Anzi, A. R. (2021). *A Methodological Guide to Managing Electoral Campaigns*.
- Al-Attar, F. (1974). *Political Systems and Constitutional Law*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Al-Dulaimi, H. A. (2001). *Political Systems in Western Europe and the United States of America*. Dar Wael.
- Al-Ghali, K. (1978). *Principles of Constitutional Law and Political Systems*. Dar Al-Uruba for Printing.
- Al-Imarat, F. M. (2021). *Electoral Campaign Management*. Dar Al-Khaleej for Publishing and Distribution.
- Al-Manoufi, K. (1985). *Theories of Political Systems*. Publishing Organization.
- Al-Qayyar, A. M. *Elections*. Center for Oriental Studies.
- Al-Rassas, R. A. (1995). *The Electoral System in the Republic of Yemen: A Comparative Study* Ain Shams University].
- Al-Sawi, A. (2007). *How to Monitor Elections*. Lebanese Studies Center.
- Al-Shafi'i, M. A. a.-R. (1972). *Popular Political Organizations* Cairo University].
- Al-Shaqai, A. S. *The Principle of Judicial Review of Popular Votes*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Al-Tamimi, A. A.-M. m. *The Strategy for Winning Elections: A Media Perspective*. Dar Ward.
- Ali, S. A.-S. (2005). *Fundamental Principles of Political Systems and Contemporary Systems of Government*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Alwan, A. a.-K. (2006). *Political Systems and Constitutional Law*. Dar Al-Thaqafa for Publishing and Distribution.
- Fahmi, M. A. Z. (1989). *The Presidential System in the United States and Egypt*. Mansha'at Al-Ma'arif.
- Farghali, M. (1998). *Systems and Procedures for Electing Members of Local Councils*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Fawzi, S. a.-D. (1985). *Systems, Procedures, and Elections*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Hassan, J. S. (1991). *Fundamental Guarantees of Public Freedoms: A Comparative Study* Cairo University].
- Hussein, A. F. (2011). *Iraqi Parliamentary Elections* Islamic University of Lebanon].
- Hussein, T. F. (2006). *Media Campaigns in the Iraqi Press* University of Baghdad].

Rabie, A., & Metwally, F. A.-B. (2013). *Political Systems*. Al-Halabi Legal Publications.
Sari, G. S. Studies and Research on Candidacy for Parliamentary Councils: A Critical Scientific Study.